

به دنیا می‌آید این بذر الهی در او هست چه در بعد نظری او چه در بُعد عملی او. هم تشخیص حق از باطل و هم تشخیص افعال خوب از بد را. خدا گذاشته است، جزء فطریات اوست، و نقش تربیت این است که پدر و مادر باید همان روش تربیت الهی را پیاده کنند و از طریق سمع و بصر این فرزند را تربیت کنند...

اللهم صل علی محمد و آل محمد...

تربیت در محیط خانوادگی

- [۱] بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۲
- [۲] غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷، روایت ۵۰۹۸
- [۳] همان، ص ۲۴۸، روایت ۵۱۰۲
- [۴] همان، ص ۵۳، روایت ۴۲۶
- [۵] همان، ص ۲۴۸، روایت ۵۱۰۴
- [۶] بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱
- [۷] سوره مبارکه انسان، آیه ۲
- [۸] سوره مبارکه انسان، آیه ۳
- [۹] بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹
- [۱۰] غرر الحکم، ص ۵۳، روایت ۴۰۶



تربیت در محیط خانوادگی: ۵

تأثیرگذاری تربیت در سه رابطه دیداری - گفتاری - کرداری

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللّٰهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

رَوَى عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: « إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ [۱] » غیرت از ثمرات ایمان است.

مروری بر مباحث جلسات گذشته

بحث راجع به مسئله غیرت بود و گفتیم که غیرت از محبت ناشی میشود و اولین محیط و مؤثرترین محیط که شدیدترین محبت غالباً در اینجاست و باید بالاترین غیرت نیز از او نشأت بگیرد، محیط خانوادگی انسان است. رابطه محبتی میان پدر و مادر با فرزند، غیرت نسبت به خانواده را ایجاد میکند و این غیرتشان اقتضا میکند که فرزند را در دو بُعد انسانی و الهی تربیت کنند. اشاره شد که طریق و راه تربیت عبارت است از دو راه سمعی و بصری، که این روش، روشی الهی است.

معنای تربیت

از این جلسه به بعد به طور مستقل وارد اصل بحث تربیت میشویم که اولاً تربیت یعنی چه؟ اگر بخواهیم تربیت را در یک مرتبه نازله و در بُعد اخلاقی تعریف کنیم - زیرا در بُعد معرفتی هم بحث شده است - معنای تربیت در یک عبارت این است: روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، به طوری که این روش، ملکه او بشود. این را تربیت میگویند. کسی را تربیت کردن یعنی اینکه روش رفتاری و گفتاری به او یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر این ملکه او شد، به این معنا که هر وقت کاری انجام میدهد، بر اساس روش رفتاری و گفتاری باشد که مربی به او آموزش داده، ملکه او شده است و میگویند: مربی او را تربیت کرده است.

نتیجه تربیت

دو گونه تربیت داریم؛ هم تربیت حسن داریم و هم تربیت بد داریم. میگویند: مربی او خوب یا بد بود که این طور تربیت شد. مردم وقتی یک کار خوب را از بچه میبینند، میگویند: اینها ثمرات تربیت است. مثلاً فرض کنید اگر فرد، عملی یا حرفی، رفتار و گفتاری انجام بدهد که بر هیأت حسنه است و عقلاً و شرعاً پسندیده و سزاوار است، مردم میگویند: این ثمره تربیت است. یعنی این کار از آن ملکهای که برای او حاصل شده است، تراوش میکند. یعنی کارهایی که میکنند، کارهایی است که هم عقل و هم شرع میپسندد. این ثمره تربیت است که از او دیده میشود. بعد هم میگویند: آدم مؤدبی است. اگر هم کارهایش از جنبه شرعی خوب بود، میگویند: مؤدب به آداب شرعی است.

تربیت از دیدگاه اهل معرفت

اهل معرفت تعریف خاصی از تربیت دارند و بحثهایی دارند. آنها مسئله تربیت و ادب را در سه رابطه مطرح میکنند. میگویند: تربیت در ربط با قلب و عقل و نفس آدمی است. آدم باید هم قلب خودش را تربیت کند، هم عقلش را و هم نفسش را. چگونه قلب تربیت و ادب میشود؟ یا اینکه چگونه عقل ادب میشود؟.. آنها در یک مرحله بالاتری وارد میشوند که نمیخواهم به آن بحث بپردازم؛ فقط تذکر دادم که آن مباحث جای خودش را دارد و اصطلاحات خودش را هم دارد. ما فعلاً بحثمان راجع به تربیت، در یک سطح پایین تر، در بُعد اخلاقی به معنای روش رفتاری دادن به غیر و روش گفتاری دادن به دیگری است.

روش یاد دادن روش

خود این روش رفتاری و روش گفتاری به غیر دادن، یک روش میخواهد. من چگونه به بچه بگویم چگونه که عقل میپسندد و آنطور که شرع میپسندد، حرف بزن و عمل کن؟ همین گفتن و یاد دادن چه روشی دارد؟ چگونه به او بیاموزم؟ این همان مطلبی است که جلسه گذشته اشاره کردم. این باید به روش الهی باشد که البته روش الهی، عقلانی هم هست. خدا از دو راه سمعی و بصری، ابناء بشر را تربیت کرده است. این روش تربیت الهی است.

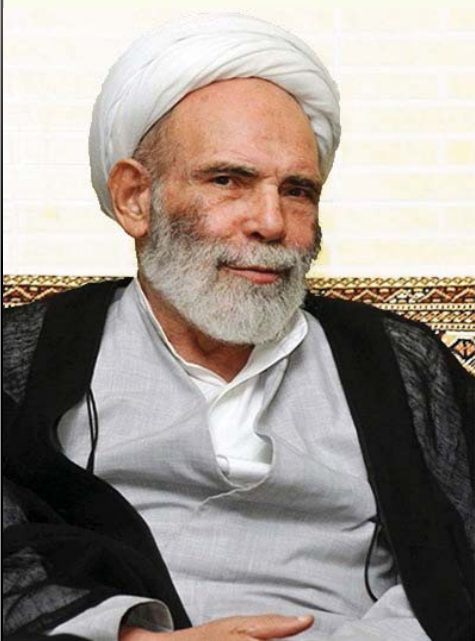
زبان حال گویاتر از زبان قال است

اگر برای تربیت هر دو راه بصری و سمعی ممکن باشد، این بحث مطرح است که کدام مؤثرتر است؟ گفتیم که روش رفتاری و گفتاری برای آموختن به غیر، باید با هم باشد؛ اما اینجا بحث در تأثیرگذاری بیشتر است. کدام یکی، اثرش قویتر است؟ حالا جواب را در یک قالب تقریباً همگانی میریزم. یک زبان حال داریم و یک زبان قال داریم. زبان حال، گویاتر است یا زبان قال؟ زبان حال بردش قویتر از زبان قال است. البته این بحث که اشاره میکنم، تمام اینها متن معارف ماست و از روایات گرفته شده است.

تربیت در محیط خانوادگی

* معنای تربیت در یک عبارت این است: روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، به طوری که این روش، ملکه او بشود. این را تربیت میگویند. کسی را تربیت کردن یعنی اینکه روش رفتاری و گفتاری به او یاد داده شود.

* اهل معرفت تعریف خاصی از تربیت دارند و بحثهایی دارند. آنها مسئله تربیت و ادب را در سه رابطه مطرح میکنند. میگویند: تربیت در ربط با قلب و عقل و نفس آدمی است. آدم باید هم قلب خودش را تربیت کند، هم عقلش را و هم نفسش را.



زبان حال در رابطه کارهای دیداری و شنیداری و رفتاری مطرح است. عبدالله بن عباس نقل میکند، میگوید: «قيل: يا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) أئى الجلساء خير؟ قال: مَنْ تَذَكَّرَكُمْ اللهُ رُؤْيَتْهُ وَ يَزِيدُ فِى عِلْمِكُمْ مَنَظَفَةٌ وَ يُرَغَّبُكُمْ فِى الْآخِرَةِ عَمَلُهُ [۲]» به پیغمبر اکرم گفته شد: بین همنشینها، کدام یک از آنها خوب است؟ حضرت فرمود: آنکه دیدارش شما را به یاد خدا بیاندازد، کلامش فهم شما را بارور کند و کردارش رغبت شما را به آخرت بیافزاید.

تأثیر معاشرت در تربیت

سه خصوصیت را پیغمبر گفتند؛ ۱- دیداری، ۲- گفتاری، ۳- رفتاری. اول فرمود: آن کسی که وقتی او را میبینی، با دیدن او به یاد خدا بیفتی! که تو به یاد خدا بیفتی نه آنکه این مطلب را از صفر به تو یاد دهد. یادآور خدا باشی! توحید در نهاد تو هست. این همان حرفی است که جلسه گذشته با یک روایت دیگر گفتیم که بذر توحید، در نهاد همه ما هست. بذر تربیت چه در بُعد الهی آن و چه در بُعد انسانی، همه در وجود انسان هست؛ به عنوان عقل عملی و عقل نظری. اول از نظر دیداری، به چهره او که نگاه میکنی به یاد خدا بیفتی. دوم؛ وقتی حرف میزند به علم تو بیفزاید، یعنی نادانی را از تو بکاهد. سوم؛ عمل او را که نگاه میکنی، کار او را که میبینی، تو را به آخرت ترغیب کند.

ظاهر انسانها پیام دارد

در اینجا دیدار و رفتار، هر دو لسان حال دارند؛ (اول و آخر روایت) دیدن که مسلماً لسان حال است. هیکل او را نگاه میکنی، یاد خدا بیاندازد. همین هیکل با تو حرف میزند. خیلی چیزها نشان میدهد که انسان، انسان الهی است یا شیطانی؟ این شکل و قیافه خودش زبان حال است. اول حضرت لسان حال را مطرح کرد، که در این شبهه‌ای نیست. حال سؤال این است که چرا اول به لسان حال اشاره کردند؟ روایت از علی (علیه السلام) «قال علی (علیه السلام): لسان الحال أصدق من لسان المقال [۳]» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان حال راستگوتر است از زبان قال. به اصطلاح مردم میگویند که: دم خروس را بینم یا قسم حضرت عباس را؟! دم خروس گویاتر است از قسم حضرت عباس.

هیکل پدر و مادر در تربیت فرزند تأثیر دارد

لذا از نظر تربیت، وقتی بچه میخواهد تربیت شود، بدان آنکه بُرد بیشتر دارد، هیکل پدر و مادر اوست. هیکل پدر و مادر را بچه میبیند و این دیدن بیشتر از گفتنهای پدر و مادر بر روی او تأثیر میگذارد. پدر را میبیند، مادر را میبیند، تشخیص بدهد که او از نظر پیکره‌اش، انسان است یا حیوان است؟ من باید اینها را بگویم. من طبق روایت بحث میکنم.

آیا میدانی تشبیه رجال به نساء حرام است که حالا خودت را در ذی نساء در آوری و شبیه زنان کرده‌ای؟ این بحث در فقه سر جایش بحث شده است؛ الآن بحث تربیتی است. فرزند نگاه میکند و میبیند و تشخیص میدهد. وقتی نگاه میکند، قوه شهوتش بروز و ظهور پیدا میکند یا فطرت الهی‌اش؟ گفتیم همه بذرها در این بچه هست؛ شهوت هست، غضب هم هست. با این دیدن، به یاد شیطان میافتد یَذْکُرْکُمْ- یا به یاد خدا میافتد؟ بعد معنویاش فعال میشود یا شهوتش؟ به یاد حیوان میافتد، یا به یاد خدا میافتد؟

بچه از همه چیز عکسبرداری میکند

جمله اول، با زبان حال پیکره‌ها و هیکلت او را تربیت میکنی. او این صحنه‌ها را عکسبرداری میکند و فوری در روحش بایگانی میکند. اسم بایگانی روحش را میگذاریم «حافظه». اتاق بایگانی او حافظه اوست. همینطور هر چیزی که میبیند، عکسبرداری میکند و به حافظه‌اش میسپارد. این فقط تأثیر هیکل بود.

راستگویی را با راستگویی بیاموز

«وَ يَزِيدُ فِى عِلْمِكُمْ مَنَظَفَةٌ» دوم؛ حرف که میزند، باید حرفهایش به قدری درست باشد که شبیه به دیداری بشود. حالا این یعنی چه؟ من یک روایت میخوانم بعد آن را معنا میکنم. علی (علیه السلام) فرمود: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ [۴]» بهترین برادرانت آن کسی است که با راستگویی‌اش تو را به راستگویی بکشاند.

این همانی است که عرض کردم. آنجا که کلام جنبه اخباری دارد، باید به نحوی باشد که شبیه به دیداری است. حتی ما در محاورات عرفیه و روزمره خودمان، از آن تعبیر به دیداری میکنیم، میگوییم: دیدم راست میگفت! دیدی یا شنیدی که راست میگفت؟ دیدم دروغ میگفت! ما هم این تعبیرات را داریم، چون آنقدر روشن است که کأنه صحت آن را میبینیم. پدر! مادر! با بچه‌تان که صحبت میکنید و حرف میزنید، مواظب حرفهایتان باشید که جلوی او دروغ نگویید! راستگویی را با راستگویی بیاموز. اینها معارف ما است. میخواهی اثر بکند؟ روش گفتاری میخواهی به او آموزش دهی؟ اینگونه روش گفتاری میدهند. این از طریق سمعی است. قبلی بصری بود. راست بگو! چه به او، چه در حرفها و نقلهایی که او مطلع است راست بگو! هم به بچه راست بگو، هم جلوی بچه راست بگو! نگذار دروغ گفتن را یاد بگیرد!

تربیت در محیط خانوادگی

* هیکل پدر و مادر را بچه میبیند و این دیدن بیشتر از گفتنهای پدر و مادر بر روی او تأثیر می‌گذارد. پدر را میبیند، مادر را میبیند، تشخیص بدهد که او از نظر پیکره‌اش، انسان است یا حیوان است؟

* پدر! مادر! با بچه‌تان که صحبت میکنید و حرف می‌زنید، مواظب حرفهایتان باشید که جلوی او دروغ نگویید! راستگویی را با راستگویی بیاموز. اینها معارف ما است. میخواهی اثر بکند؟ روش گفتاری میخواهی به او آموزش دهی؟ اینگونه روش گفتاری می‌دهند.

